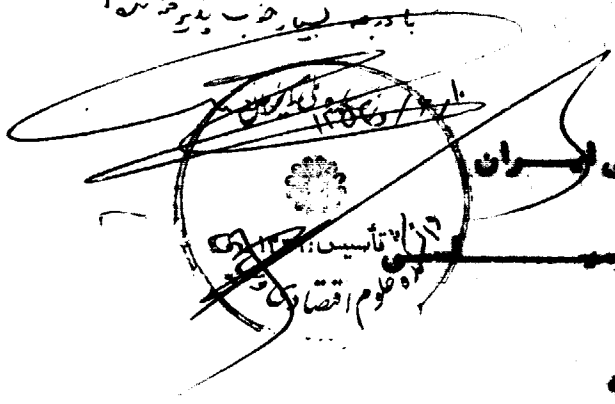


۱۵۸ ح

با درود بسیار خراب پذیرفته شد



دانشگاه ملی ایران

دانشکده علوم اقتصاد و کسب و کار

پایان نامه

برای دریافت درجه لیسانس

موضوع

نفت و معایب عمومی درخار ماه

براهننامی

جناب آقای دکتر منوچهر فرهنگ

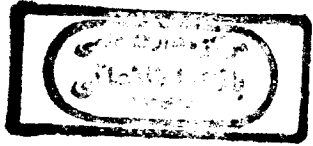
نگارش

دیده هرسیت

ترجمه

کیانوش نصرالهی

سال تحصیلی ۵۲-۱۳۵۱



فهرست مطالب

---

نظر کشورهای خاورمیانه در مورد نفت

نظر کلی

۱ - جنبه سیاسی

الف : سابقه

ب : بستگی بین کمپانیها و امپریالیسم

ج : مداخلات سیاسی بوسیله کمپانیهای نفتی

۲ - جنبه اقتصادی

الف : وضع کلی یا عمومی

ب : قدرت اقتصادیدر مقابل حقوق حاکمیت دولت

ج : حقایق تجاری و فشار تولید کنندگان

د : شرکت تا جنبش جدید

۳ - جنبه قانونی و اخلاقی

الف : وضع کلی

ب : اسناد اخلاقی کمپانیها

ج : راسی خارج از این راهبر قابل عبور

## نظر کشورهای خاورمیانه در مورد نفت

### پیشینه

---

ابتدا تنها نظر خاورمیانه را در مورد نفت بصورتیکه تا بحال از نظر دولت بعنوان يك نظر مجزا اظهار شده بود بررسی قرار میدهیم بلکه در این قسمت تمام ایده‌های را که در این مورد ابراز شده بدون توجه به محدوده آن مورد دقت قرار میدهیم و این نظریان میتوانند بطور کلی سهم مهمی در حال حاضر خاورمیانه نسبت به نفت داشته باشند .

هدف اساسی جمع آوری و مرتبط ساختن تمام ایده‌ها واضح‌الاتی است که عقاید مذهب بوجود آورده می‌باشد ولی در این مورد هیچ کوشش برای بررسی عمل و اثرات این ایده و اینکه این ایده‌ها از چه طریقی بوده‌است بعمل نیامده . برای مثال این امر باعث تحریک دولت‌ها خواهد بود تا حاصل مطالبی را در — برای شرکت‌های نفتی در دست بگیرند . بنابراین نظر خاص در مورد شرکت‌های نفتی نمیتواند بتنبهاتی اساسی ارزیابی میزان اهمیت شرکت‌های نفتی بطور گروهی قرار گیرد . اهمیت این عقاید بخصوص در مورد یاست که با

ایده خاور میانه در مورد نفت تناسب داشته باشد و بررسی این امر و امکانات  
در بوطیان قاعد زیادی به جامعه سیاسی ارتباط پیدا میکند و این امر  
علاوه بر ایده خاور میانه در مورد نفت با توجه به منابع گسترده‌های مختلف باید معانی  
سیاسی این منطقه میانه باشد .

- ۱- از نظر سیاسی باید به خصوصیات فلسفه نفت جامعه متحد عرب  
و کمونیستها و پیشینان توجه نمود . در این مورد میتوان آنچه را که احزاب  
از نظر سیاسی در مورد نفت فکر میکنند تحت سه عنوان طبقه بندی نمود .
- دستجات مختلفی که جامعه عرب را تشکیل میدهند عموماً در این دسته میانهند .
- ۱- تجار      ۲- صاحبان اراضی      ۳- جوامع شهری .

یکی از مشکلات مهم در کشورهای که دارای آزادی بیان نیستند  
این است که دسترسی به جامعه و جهت‌آوری اطلاعات مشکل است و این آزادی  
ظاهر در این جوامع آنطور که در غرب وجود دارد توسعه نیافته .  
مسئله دیگر طبیعت خاص عقاید کشورهای خاور میانه در مورد نفت است به علاوه  
وجود عقاید مختلف با توجه با اختلاف منابع گروهها باعث میگردد که نتوان به یک  
ایده اجتماعی مشخص و همی دسترسی پیدا نمود . به علاوه درک این -

موسس گروهای هر استان محمودی از جمله روزنامه‌های در مطبوعات  
 کمیته‌های نقی در مورد مسائل مختلف مطبوعات و آثار می‌تواند یک امر  
 فایده‌مند است. کشورهای تولیدکننده نفت دارای هر سیاستی که باشد معمولاً  
 به کمیته‌های نقی بصورت فاطمی که بفتح آنها عمل میکنند نگاه میکنند.  
 حتی اگر کمیته‌های نقی حد اکثر طایع را برای آنها تامین ننمایند. این امر  
 منجر باین میگردد که امور نقی را مجزا از آثار موافق و مخالف دولت و خاصه  
 از نظر سیاسی مورد توجه قرار ندهیم برای اخذ تصمیم در مورد مطبوعات -  
 ایده‌های گروه‌های مختلف ذی‌نفع در مورد نفت و رسیدن بیک نظر اجتماعی  
 باید و ملا "تحقیقاتی اوقات جامعه بعمل آید و در این مورد لازم است  
 که اثر نظرات هر یک از این گروه‌های خاص ذی‌نفع و قابل قبول ایده‌های آنها را  
 بوسیله اکثریت مورد توجه قرار داد. این امر حتی در کشورهای که دارای -  
 موسسات آزاد بوده و راه مردم آن دارای عقاید به شرکت می‌باشند مشکل  
 است. این مورد در خصوص کشورهای در حال توسعه که اوضاع سیاسی آن  
 غیر قابل پیش‌بینی است دارای اشکال بیشتری است. در غرب معمولاً "آسانی  
 میتوان بعد فاعل عقاید دولت و راه مردمی بوده و روابط آن در امور

نظر قرار داد . اظهار نظر ابتدائی در مورد عقاید خاصه "در خصوص  
 کشورهای که دارای آزادی بیان محدود و نشریات فرکالی برای تاج طبله  
 خاص میباشد ابراز نمیکرد . در این کشورها معمولاً "مهاجرتی بیست  
 نظریات مطبوعات و دولت وجود ندارد .

سرمهنگام زحمات زیادی برای استفاده از افکار عمومی تحمل شد  
 ولی در عمل مواجهه با اشکالات زیادی گردید . در حقیقت اختلاف جزئی و  
 ضمنی که در عقاید روزنامه‌ها می‌گردد که تحت کنترل و حمایت دولت هستند بهمان  
 اندازه مطبوعات آزادی که یکدیگر مخالفت صریح دارند در روشن شدن عقاید  
 دارای اهمیت میباشد . بحال در دنیای عرب انگیزه مخالفت با هر رژیم  
 مواجهه با انتقام و کینه جوی سایر دولت‌های عرب خواهد شد . هر چند نباید  
 مطبوعات عرب را مانند مطبوعات کشورهای غربی که یکطرف آن دولت است  
 بحساب آورد . شاید تنها حد فاصلی که بین عقاید مختلف در مورد نفست  
 خاورمیانه می‌تواند وجود داشته باشد عقاید و دلائل منطقی و دلائل اخلاقی  
 و غیر منطقی است .

سازمان کشورهای صادرکننده نفت اصله بهترین نظری است

که مطلع و دارای عقاید منطقی است . عقاید مخالف او را اطلاق و از  
مواضع مختلف می‌آید . در این بررسی اختلافات عین عقاید کشورهای  
رقیب ذکر شده است .

### چشمه سیاسی

#### سابقه

بی بودن مخالفی که کمپانیهای نفتی بدستیاوردند بدون در نظر  
گرفتن سابقه تاریخی و سیاسی غیر ممکن است . بعد از چهار صد سال سابقه  
قانون ترکیه تجربات اخیر سیاسی ممالک عربی بگونه سرخوردگی بود است  
احتیاجی به بحث زیاد در مورد سابقه رابطه اعراب با ممالک غیر در زمان  
حال که از سال ۱۹۱۶ شروع گردید و در سال ۱۹۵۶ به پایان رسیده نیست  
و همچنین نیست که کله امپریالیسم یکی از لغتهای است که در زبان عرب  
بسیار بکار رفته است . این کله و کلمات دیگر در زبان مردم با فرهنگ آن متداول  
است و افکارشان روی موضوعات سیاسی از آنجمله مسئله نفت رنگ خاصی بخود می‌گیرد  
تمام کمپانیهای نفتی و یا بیشتر آنها متعلق بممالک غیر هستند و ممالک غیر

که آنها را با امریالیسی محکوم می‌نمایند و با اینکه واقعا " امریالیستی  
 هستند . کمپانیهای نفتی اصولاً " موسسات تجاری هستند و اینکه کمپانیهای  
 نفتی دارای نظریات سیاسی باشند غیر قابل قبول است . کسانی که  
 معتقدند که کمپانیها دارای نظریات سیاسی بوده و جوامع امریالیستی  
 را تشکیل می‌دهند بدترین تصور نسبت به کمپانیها ابراز می‌دارند .  
 تجدد نظر در مقابل خصمیان بر ضد کمپانیها به موجب این حقیقت است که  
 معتدل و مطلق از کمپانیها در صاف سیاسی به صورتی قیاسیست . همچنین  
 باید توجه نمود که انتقادات مطلقانه و مطلق از کمپانیهای نفتی در صورت  
 ثابت صورت می‌گیرد و کسانی که در انتقاد افراط می‌نمایند معمولاً تحت تاثیر  
 مصلحتهای خاصی سیاسی بر حسب آنچه که شرایط اقتضا نماید قرار می‌گیرند .  
 در نتیجه هر چند در دنیای عرب هیچ مرجع از کمپانیهای نفتی دفاع -  
 نمی‌نماید ولی هدفی نیز وجود دارند که نسبت به کمپانیها دارای نظریات تلافی  
 می‌باشند . سالیان مضامین پس از جنگ اول جهانی کمپانیها در امور  
 کشورهای عربی به صورت مستقیم و رسمی نظارت می‌نمودند . ولی از آن زمان به بعد



يك سری قراردادها و سازان مفیدات خاص در قراردادها گنجانده  
 شد که نظارت خارجی کمپانیها در برخی از کشورهای پیشرفته عرب مانند  
 مصر عراق سوریه لبنان کاتلا اینزرفه است. ولی کمپانیهای  
 وجود دارند که هنوز در این مورد شک دارند و میگویند که کنترل خارجی و  
 رسمی تنها قسمت و بهترین قسمت تسلط خارجی است. در پشت صحنه  
 قدرتها و نفوذ سیاسی فشار دیپلماتی و مطابقتی وجود دارد که  
 بطور غیر مستقیم عمل میکنند. کمپانیها ظاهراً نباید با دولت‌های امپریالیستی  
 فرسی مربوط باشند ولی آیا آنها از خارج از طرف همان مراکز تصمیمات —  
 کشورهای غربی مورد کنترل قرار نمیگیرند ؟

ولی در مورد کمپانیهای نفتی ارتباط دادن کمپانیها با امپریالیسم طبیعی  
 است زیرا این کمپانیها در تمام مابعد و دیانت غرب در امور کشورهای عربی  
 پایتخت میگذارند .

در گذشته بنظر میآمد که کمپانیهای نفتی تا کثیر باید دارای موقعیت —  
 امپریالیستی باشند . برای مثال سه سابقه تاریخی عراق امتیازات کمپانیهای

نفی بان دولت را میتوان در این تقریر رسمی که توسط دولت عراق منتشر  
 شده پیدا نمود. چهار جنگ اول جهانی نفت عراق مورد طبع اینها است  
 قرار گرفت و در این مورد رابطه مستقیمی بین دولت های مطلق و کمپانی های  
 مده نفی بوجود آمد و نتیجتاً کمپانیها بین خودشان توافق نمودند  
 گفتند عراق را انحصاری نمائید و از نفت این کشور بایدترین امکانات برای دولت  
 عراق و کمترین مخارج برای خودشان استفاده نمائید بدین اینکه منافعی  
 شاکین عراقی را رعایت نمائید. زمانی این بی حدالتی نسبت به دولت عراق  
 صورت گرفت که دولت منور دولت مستقلی نبود بلکه تحت نظارت مستقیم و -  
 تبعیت انگلیس بود. قرارداد اختیاری کمپانی نفت عراق I.P.O. بر اساس  
 بیان میسر بود که با کمپانی نفت ترکیه با دولتاتوسان قبل از جنگ جهانی  
 اول بستند بود ولی دلیل ابهام آن در آن زمان صرفاً "تحت السلطه"  
 انگلیس قرار داشتن نبود بلکه هیچ دولت مستقلی نمیتوانست به سر رسید  
 چنین قرار میسر بی بسرد و این کمپانی های اختیاری میسر اعطاء نماید  
 بدین اینکه او سایر احزاب ذینفع دعوت بعمل میاورد. در دنیا که مباحث  
 خود میتوان گفت که دولت اعطاء کننده قرارداد پنجم رسوا کننده های نیست

بمستافع طغش بی تلاوت بود حتی اگر آن دولت و انما" با امیرالمستبها  
 برای اطفال مردم و گرفتن میراث آنها توطئه نکرد بود . بهمن دلیل عقاید  
 مردم جمهوری محده عرب نسبت به خاندان هاشمی است. بنابراین  
 اشکالی نخواهد داشت چنانچه رژیم هاشمی در عراق را هدستی پارزالت  
 هستی بدانیم ولی این امر در مورد رژیم سوریه قبل از جنگ صدق نمیکند هر  
 چند سوریه دارای قانون مستبدانه و محتاطانه بود . سلطان محمد العزیز  
 بدلیل شجاعت و صفات برجسته و تحمل درد بارش بعنوان رهبر مورد ستایش  
 ملت عرب است ولی امتیازی که وی به آرامکو (کمانی نفت اعراب و آمریکا ) در سال  
 ۱۹۳۳ داد نمیتوان گفت که بیشتر از امتیاز I.P.C بطنع عراق بوده است.  
 برای طرفداران محمد العزیز مشکل است که بآنها گفته شود که امیرالمستبها با صفت  
 تجاوز نسبت به مدعیان خاص مرتجع را می پذیرد مگر در وحی با اعتدجا و ز  
 میکند ولتهد و ن پشتیبان میشود .

انتقاد از این قرارداد های اولیه منحصر به تهمت نسبت به امیرالمستبها  
 اعرابی که شریک جرم امیرالمستبها هستند نیست. کوشش شیخ عبد القادر ترکی

وزیر نفت قبل مرستان سمودی با توجه بروحه ساز و جها اطراب برای  
 معاطه بهتر با کمپانیهای نفتی دلیل این است که احیاز آرانکو از طرف دولت  
 مرستان سمودی با توجه به ضعف قدرت آن کشور در آن زمان قرارداد خوبی  
 بود ماست. بطور کلی اختیارات اولیه به میزان زیادی برای کشور احیاز دهنده  
 غیر عادلانه بود و کشور دریافت کننده اختیاز را قادر ساخت که <sup>کمتر</sup> برای  
 آن کشور نظارت نماید و مضاف آن کشور را اهن برود و مانع توسعه آن کشور  
 گردد. فقر اضا کنندگان قرارداد های اولیه از جمله ترکی در صورتیکه  
 از روی سادگی بدون تزهر باشد میتواند مورد افاض قرار گیرد. از جمله  
 موقعیتهای خاص آن زمان احتیاج شدید با اجرای چنین قرارداد های از طرف  
 دولت مرستان سمودی و همچنین از طرف کمپانیها بود ماست در این مورد ترکی  
 اظهار میدارد که کمپانیها میخواستند که حداکثر مضاف را خودشان بدستیاورند  
 و سیاست قدرتهای امپریالیستی این بود ماست که مواد اولیه را از مناطق تحت  
 کنترلشان کسب کرده و از مواد مزهر برای تولید اتمان استفاده نمایند و -  
 کالا های ساخته شده را صادر نمایند. در این مورد مطالبه متناقضی ارائه شده

میتوان گفت کامریالسم فریب خودخواهانده و لقبانی استکدارای قدرت  
 ارغای آن هستند که سلسله باعشایجاد فکر و مرز در کئی هام کرد و ویسی  
 بنیاز این نمیتوان که اینها یعنی را بخاطر دنبال نمودن فریب طبیعی همان  
 و اینکه بیس از حد از کشور دارند مواد از مطایع آنها استفاده میکنند سرزشت  
 نمودن بر این امر در نتیجه بی توجهی دولتی است که این امتیاز را بآن کشور  
 میدهد تا از مطایع آن بهره طقت استفاده ببرند .

#### ارتباط کمیانیهای نفتی با امریالسم

امریالسم نفتی را در ایجاد کمیانیها بازی نمود ما است. شکی  
 نیست که افراد زیادی در خارج ما موجود دارند که آنچه میدانند باینکه امریالسم  
 فریب دیگر مانند سابق رفتار نمیکند و علاوه بر از سیاست است که رهبر  
 یک کشور همی چنین چیزی را در جامعه ایران دارد هر چند حکمتان افراد  
 زیادی معتقد باشند که امریالسم فریب دارای رفتار واقعی است و نفتی همی  
 را در حمایت از کمیانیهای نفتی بین المللی ایضا میکند ولی بیشتر طل محصلان  
 موافقند که نفتی امریالسم دیگر یعنی واقعی کله نیست زیرا در امور داخلی

کشورهای خاورمیانه مدخله نمایندگی ولی این امر فقط ظاهر قضیه است بسیاری  
 مثال بعد از سقوط حکومت سرهنگ قاسم کمپانیهای نفتی روابط دوستانه ای  
 را با دولت جدید عراق برقرار کرده و این روابط حد اقل باعث ایجاد بسته  
 اختیارات اساسی که عبارت از کاهش بوداجتهوارش بندری و بارگشتی در بصره  
 بود بفتح آنها گردید حال آنکه این هزینهها در زمان سرهنگ قاسم افزایش  
 یافته بود که منجر به کاهش استخراج نفت از مناطق نفتی جنوب و در نتیجه مباحثه  
 بین دولت و کمپانیها گردید . لذا کاهش تولید نفت عراق در زمان قاسم  
 امر اتفاقی نبود . به همین دلیل بعد از انان قاسم در تولید نفت عراق افزایش اساسی  
 رخ داد . همچنین سازش و لقیهای فزونی بخصوص انگلستان با رژیم جدید  
 و تحول اساسی با این کشورها که امر اتفاقی و غیر قابل پیش بینی نبود و این معامله  
 برای هر دو دولت مفید بود ماست هر دو که یکی از آنها ( انگلستان ) تیل را دارای  
 قدرت امپریالیستی بود ولی با توجه به اولویت سیاسی کشورهای شرق  
 خاورمیانه شکل است که در برافضایه بود که رژیم بخش عراق نیز مایلند  
 زمان قاسم و نوری سعید در مورد کمپانیهای نفتی افغان میکنند . در دوره

ناصر نیز به همین عنوان بوده هرچند این عقیده افغان دارد که  
 برخی از دولت‌های غربی زانجا "امپریالیسم هستند و معاهده با آنها رسماً  
 مغفوب است. کمانی‌های نفی مانند کشورهای غربی نفع امامان در این  
 منطقه غیر از اخراج کمونیست‌ها برقرار می‌نمایند است. بنابراین آنها  
 برای هدف‌های سیاسی ملیت اقتصادی تا مشروع خود را توسعه  
 می‌دهند .

بسیار مشکل است که در مورد عقاید کسانی که ضد غرب هستند و از آنها  
 انتقاد می‌نمایند و همچنین در مورد نظریات صریح آنها در مورد روابط بین  
 کمانی‌های نفی با دولت‌های امپریالیستی که با کمانی‌ها ارتباط دارند و گاهی  
 اوقات در مورد روابط کمانی‌ها با کشورهای غاصبانه که با آنها هم‌دست  
 می‌باشند تضمین قاطعی گرفت . در حقیقت میتوان اینطور فرض کرد که  
 منتقدین نیز در مورد این روابط نظر صریح و روشنی ندارند زیرا توجه و  
 نزدیکی زیاد به عقاید استدلال را همین می‌سود . بطور کلی در مورد کیفیت  
 این روابط سه راه با ترکیبی از دو طریق زیر وجود دارد .